

گنجینه سوال رایگان

+ پاسخ تشریحی

یاوران دانش



راه های ارتباطی با ما:

www.Dyavari.com

۰۲۱-۷۶۷۰۳۸۵۸

۰۹۱۲-۳۴ ۹۴ ۱۳۴



۱- عَيْن ما لیس فيه «الحال»:

(۱) إِنَّ الْفَارَّ يَسْكُنُ دَاخِلَ الْأَرْضِ وَ عَدُوهُ الْقِطْعَةُ تَعِيشُ فَوْقَ الْأَرْضِ!

(۲) التَّلْمِيزُ أُعْطِيَ صَدِيقَهُ الْكِتَابَ وَ حَاجَتُهُ إِلَيْهِ أَكْثَرَ مِنْ صَدِيقِهِ!

(۳) إِذَا اخْتَلَطَ التُّرَابُ بِالْمَاءِ وَ أَصْبَحَ طِينًا يُسْتَخْدَمُ فِي الْبِنَاءِ!

(۴) هَلْ رَأَيْتَ حَتَّى الْآنَ ذَلِكَ الْمُتَشَائِمَ وَ هُوَ يَبْتَسِمُ!

۲- عَيْن الترجمة الصحيحة:

«انهدام المختبر و موت أخیک الأصغر لم یضعف عزمک، بل سبب أن تكثر نشاطاتک، فأخترع الدينامیت»!

(۱) آزمایشگاه ویران شد و مرگ برادر کوچکت از اراده‌ات نکاست، بلکه فعالیتت را بیشتر کرد، و دینامیت کشف شد!

(۲) انهدام آزمایشگاه و فوت برادر کوچکتر تو عزم تو را تضعیف نکرد، بلکه سبب شد انرژیهای تو زیاد شود، تا دینامیت کشف گردد!

(۳) ویرانی آزمایشگاه و مرگ برادر کوچکتر اراده تو را ضعیف نکرد، بلکه سبب شد که فعالیت‌های تو بیشتر شود، پس دینامیت اختراع شد!

(۴) آزمایشگاه منهدم شد و برادر کوچکتر درگذشت، و نه تنها از عزم تو نکاست بلکه سبب بیشتر شدن انرژیهای تو شده، دینامیت اختراع گردید!

۳- «كان ذلك الرجل أجود الناس فيعجبهم، و ما أتاه أحدٌ في حاجة فيرده فارغ اليد خائباً!» عَيْن الترجمة الصحيحة:

(۱) آن مرد بخشنده‌ترین مردم بود و مردم از او خوششان می‌آمد، و کسی نزد او با خواسته‌ای نیامد که او را دست خالی و ناامید برگردانده باشد!

(۲) آن مرد بخشنده‌ترین مردم بود که او را به شگفتی وامی‌داشتند، و هیچکس نزدش با تقاضایی نیامده که دست خالی و ناامید برگردانده شود!

(۳) بخشنده‌ترین مردم آن مردی است که موردپسندشان بود، و هیچکس با خواسته‌ای نزدش نیامد که او را دست خالی ناامیدانه برگردانده باشد!

(۴) بخشنده‌ترین مردم آن مردی بود که آنان را به شگفتی وامی‌داشت، و کسی با تقاضایی نزدش نیامده بود که ناامیدانه دست خالی برگردانده شود!

۴- عَيْن الصحيح لجواب الترجمة:

«إِنَّ تَلْمِيزَ الصَّفِّ الْأَوَّلِ يَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ بِدَايَةِ السَّنَةِ الدِّرَاسِيَّةِ مُشْتَقًّا وَ هُوَ يَحْمِلُ مُحَفَظَتَهُ الْفَارِغَةَ عَلَى كَتِفِهِ!»:

(۱) با شروع سال تحصیلی دانش‌آموز کلاس اولی با اشتیاق کیفش را که خالی است بر کتفش گذاشته به مدرسه می‌رود!

(۲) دانش‌آموز کلاس اول در آغاز سال تحصیلی با شوق به مدرسه می‌رود در حالیکه کیف خالی‌اش را بر روی دوشش حمل می‌کند!

(۳) در ابتدای سال تحصیلی دانش‌آموزی که کلاس اول است مشتاقانه به مدرسه می‌رود و او کیف خالی‌اش را بر روی دوشش حمل می‌کند!

(۴) دانش‌آموز کلاس اولی در ابتدای سال تحصیلی در حالیکه مشتاقانه کیفش را که خالی است بر روی کتفش حمل می‌کند به مدرسه می‌رود!



۵- عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي:

«إذا طلبت أن تنجح في عملك فقم به وحيداً و لا تتوكل على الناس»:

- (۱) وحيداً: اسم - مفرد مذکر - نكرة - معرب / حال (= «قيد حالت» في الفارسية) و فعله «قم»
- (۲) تنجح: مضارع (للمخاطب) - مجرد ثلاثي - لازم - معلوم / فعل، و التّغيير في آخره بسبب حرف «أن»
- (۳) تتوكل: فعل مضارع - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) - معلوم / فعل، و التّغيير في آخره بسبب حرف «لا» الناهية
- (۴) طلبت: فعل ماضٍ (للمفرد المذكر المخاطب) - مجرد ثلاثي - متعدّد - معلوم / فعل شرط، و «إذا» من أدوات الشرط

«بانک سوال موسسه ياوران دانش»

۶- عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي:

«ارحموا عالمًا ضاع بين جهال»:

- (۱) ضاع: فعل ماضٍ (للمفرد الغائب) - مجرد ثلاثي - لازم / الجملة فعلية، و موضحة للإسم النكرة «عالمًا»
- (۲) ارحموا: فعل أمر (للمجمع المخاطب) - مجرد ثلاثي - متعدّد / فعل و فاعل، و مفعوله «عالمًا» و الجملة فعلية
- (۳) جهال: اسم - جمع مكسّر أو تكسير (مفردة: جاهل، مذكر) - اسم فاعل - نكرة - معرب / مضاف إليه و مجرور
- (۴) عالمًا: اسم - مفرد مذكر - اسم فاعل (فعله: علم، مجرد ثلاثي) - نكرة - معرب / حال (= «قيد حالت» في الفارسية) و فعله «ارحموا»

۷- «لا يحزنني قول الذين يتكلمون عني جاهلين، و أنا أعلم جهلهم!» عین الاصح للترجمة:

- (۱) قول کسانی که از جهل من سخن می گویند و من جهالتشان را می دانم، نباید مرا ناراحت کند!
- (۲) سخن آنان که در مورد من حرف می زنند در حالی که جاهلند و من به جهلشان آگاهم، ابدًا ناراحت نمی کند!
- (۳) هیچ گاه سخن کسانی که درباره ی جهل من حرف می زنند حال آن که من جهالتشان را می دانم، ناراحت نمی کند!
- (۴) نباید گفتار کسانی که در مورد من جاهلانه سخن می گویند مرا ناراحت کند، در حالی که من آگاه به جهلشان هستم!

۸- عین الخطأ:

- (۱) تقبل الأمواج العالية في حياتك: در زندگی ات موج های بلند را بپذیر،
- (۲) و لو أخذتک إلى أعماق البحر أحياناً: اگر چه گاهی تو را به اعماق دریا ببرد،
- (۳) لأن السمک الذي على سطح الماء: زیرا ماهی ای که بر روی آب است،
- (۴) أنت تراه هادئاً، و هو ميت!: تو او را آرام می بینی ولی او دارد می میرد!



۹- عَيْن ما لیس فیہ «الحال»:

- (۱) لا تَتَسَامَحُوا و أَنْتُمْ تَحْسِبُونَ أَنَّ لَكُمْ فُرْصَةً كَثِيرَةً،
(۲) لَأَنْتُمْ إِذَا تَبَدَّوْا بِالْعَمَلِ وَ هُوَ يَحْتَاجُ إِلَى زَمَانٍ،
(۳) لا تَجِدُونَ الْفُرْصَةَ كَثِيرَةً وَ هِيَ قَلِيلَةٌ وَ قَصِيرَةٌ دَائِمًا،
(۴) فَيَجِبُ أَنْ تَسْتَفِيدُوا مِنَ الْفُرْصَةِ وَ لَوْ كَانَتْ قَلِيلَةً!

۱۰- عَيْن الصَّحِيحَ لِلْفَرَاقَاتِ:

«رَبِّمَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَمْلِكَ كُلَّ مَا تُرِيدُ، وَ أَنْتَ ظَالِمٌ، وَلَكِنْ عِنْدَمَا يَدْعُو عَلَيْكَ مَظْلُومٌ، تَفْقَدُ كُلَّ مَا مَلَكَتَ فَقْدَانًا أَبَدِيًّا!»:
«..... بتوانی هر چه را بخواهی مالک شوی ، ولی وقتی که یک مظلوم تو را نفرین کند، همه‌ی آن چه را به دست آورده‌ای از دست می‌دهی!»

- (۱) شاید / با ستمکار بودن / مطمئناً
(۲) چه بسا / در حالی که ستمکاری / تا ابد
(۳) شاید / حال آن که ظالمی / تا زمانی
(۴) چه بسا / با ستمکار بودن / مطمئناً

۱۱- «إِنَّ الْفَخْرَ يَمْشِي مَرَحًا وَ هَذَا نُمُودَجُ تَرْبَوِيٍّ لِمَنْ يَتَعَلَّمُ الْإِدَبَ مِمَّنْ لَيْسَ لَهُ أَدَبٌ!» عَيْن الصَّحِيحَ لِلتَّرْجُمَةِ:

- (۱) فخر فروش راه رفتنی متکبرانه دارد ولی برای آن که ادب را از بی ادبان می آموزد نمونه‌ای تربیتی است!
(۲) فخر فروش خودخواهانه راه می رود و این الگویی تربیتی است برای کسی که ادب را از کسی می آموزد که ادب ندارد!
(۳) فخر فروش نوع راه رفتنش خودخواهانه است ولی برای آنکه ادب را از کسی که ادب ندارد یاد می گیرد، یک نمونه‌ی تربیتی است!
(۴) فخر فروش چون متکبران راه می رود و این نمونه‌ی تربیتی برای کسی است که ادب را از کسی که در او ادب نیست آموخته است!



۱۲- «كنت أتلو آيات من القرآن الكريم في اصطفاة المدرسة الصبأحي، و أنا في العاشرة من عمري!» عین الترجمة الصحيحة:

- (۱) وقتی ۱۰ سال داشتم، در صف صبحگاهیمان به تلاوت آیاتی از قرآن کریم می‌پرداختم!
- (۲) در حالی که ۱۰ ساله بودم، در صف صبحگاهی مدرسه آیاتی از قرآن کریم را تلاوت می‌کردم!
- (۳) هنگامی که ۱۰ سال داشتم، در صف صبحگاهی بعضی آیات قرآن کریم را در مدرسه می‌خواندم!
- (۴) در حینی که به ۱۰ سالگی رسیده بودم، در صف صبحگاهی مدرسه آیات قرآن کریم را قرائت می‌کردم!

۱۳- عین ما لیس فيه «حال»:

- (۱) هذا كلام لقمان حين يقول لابنه و هو يعظه،
- (۲) إن تأكل الطعام حين تكون جائعاً، ذلك أحسن الطعام،
- (۳) و إن تسترح بعد عمل كثير مُتعباً سيكون هناك أحسن المكان لك،
- (۴) و إن تُصاحب الناس و أنت تدخل قلوبهم فلك أحسن البيوت!

۱۴- عین الترجمة الصحيحة: «بعضُ اختراعاتِ الإنسان ليست في مجال الإعمار و البناء، لأنه لم يستطع أن يُدرک ماذا ينفعه و ماذا يضرّه!»: بعضی از اختراعات انسان

- (۱) در جهت آباد کردن و ساختن نمی‌باشد، زیرا او قادر نیست آنچه را سود می‌رساند و آنچه را زیان می‌بخشد بشناسد!
- (۲) در زمینه‌ی آبادانی و سازندگی نیست، زیرا او نتوانسته است درک کند چه چیزی به او سود می‌رساند و چه چیزی ضرر می‌رساند.
- (۳) در عرصه‌ی آبادانی و ساخت و ساز نیست، از آن‌جا که قادر به درک چیزی که برایش سودبخش است و آنچه زیان‌بخش است نمی‌باشد!
- (۴) در مسیر آباد شدن و سازنده بودن نمی‌باشد، از این جهت که او نتوانسته است چیزی که به او سود می‌رساند یا زیان می‌زند را بفهمد!

۱۵- «هناك في عمق ظلام المحيط أسماكٌ مُضيئةٌ أشاهدها أنا متعجباً!» عین الترجمة الصحيحة:

- (۱) در عمق تاریک اقیانوس ماهی‌هایی نورانی‌اند و من آن‌را متعجبانه مشاهده می‌کنم!
- (۲) در اعماق تاریک اقیانوس ماهی‌های نورانی هستند که من با شگفتی به آن‌ها نگاه می‌کنم!
- (۳) در عمق تاریکی اقیانوس ماهی‌هایی نورانی وجود دارد که من آن‌ها را با تعجب مشاهده می‌کنم!
- (۴) در تاریکی اعماق اقیانوس ماهی‌هایی نورانی وجود دارند، من در حالی که متعجبم آن‌ها را می‌نگرم!



۱۶- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ:

- (۱) يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِاِحْتِيَالِهِ! (۲) لِكُلِّ اخْتِرَاعٍ عِلْمِيٍّ وَابْتِكَارٍ وَجْهٌ نَافِعٌ وَ وَجْهٌ مُضِرٌّ!
(۳) يَتِمُّ التَّوَازُنُ فِي الطَّبِيعَةِ مِنْ خِلَالِ وُجُودِ رَوَابِطٍ مُتَدَاخِلَةٍ! (۴) عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَاشِرُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشاً سَلَمِيّاً!

۱۷- عَيْنُ «دُوُوبٍ» حَالاً:

- (۱) لِيَتَنِي أَصْبَحَ دُوُوباً فِي اكْتِسَابِ الْعِلْمِ!
(۲) لَا يَتَقَدَّمُ فِي الْحَيَاةِ إِلَّا مَنْ يُحَاوِلُ دُوُوباً!
(۳) مَنْ كَانَ أَمِيراً يَجِبُ أَنْ يَكُونَ دُوُوباً وَ حَلِماً!
(۴) رَأَيْتُ طَالِباً دُوُوباً يَسْتَمِرُّ فِي أَعْمَالِهِ لِأَهْدَافِهِ الْعَالِيَةِ!

«بانک سوال موسسه یاوران دانش»

۱۸- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْحِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَ الصَّبْرُ عِنْدَ الطَّمَعِ: بَرْتَرِينِ كَارَهَا بَرْدْبَارِي هَنگَامِ خَشَمِ اسْت وَ صَبْرِ هَنگَامِ طَمَعِ!
(۲) لَا تَجْمَعُ مِنَ الْمَالِ وَ أَنْتَ لَا تَدْرِي لِمَنْ تَجْمَعُ: اَزْ مَالِ وَ ثَرَوْتِ جَمْعِ مَكْنِ دَرْ حَالِيْ كِهْ تُوْ نَمِيْ دَانِيْ بَرَايِ چِهْ كَسِيْ جَمْعِ مِيْ كَنِيْ!
(۳) إِذَا سَلِمْتَ مِنَ الْأَسَدِ الْمُفْتَرَسِ فَلَا تَطْمَعُ فِي صَيْدِهِ: هَرگَاهْ اَزْ شِيْرِ دَرْنَدِهْ دَرْ سَلَامَتِ مَانْدِيْ بِهْ شَكَارِ كَرْدَنْشِ طَمَعِ مَكْنِ!
(۴) إِنَّ الْمَجَاهِدِينَ بَاعُوا أَرْوَاحَهُمْ وَ اشْتَرَوْا الْجَنَّةَ: جِهَادْ كَنْدِگَانِ جَانْهَائِيْ خُودِ رَا فَرْوَخْتَنْدِ تَا بِهْ بَهْشْتِ بَرَسَنْدِ!

۱۹- عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- «كثير من اختراعات الإنسان الحديثة ليست في مجال الإعمار و البناء، لأنه لم يستفد من جانبها النافع!»:
(۱) بسياری از اختراعات انسان در زمینه‌ی آباد کردن و ساختن، جدید نیست زیرا او از جنبه‌ی مفید آن استفاده نمی‌کند!
(۲) تعداد زیادی از اختراعات انسان در بخش آبادسازی و ساختمان به کار نرفته است، زیرا او از جنبه‌ی سودمند آن بهره نمی‌برد!
(۳) بسياری از اختراعات جديد انسان در زمینه‌ی آبادانی و ساختن نیست، زیرا او از قسمت مفید آنها استفاده نکرده است!
(۴) تعداد زیادی از اختراعات جديد انسان در زمره‌ی آبادانی و ساختمان نمی‌باشد، به خاطر این‌که از بخش مفید آن بهره‌برداری نشده است!



۲۰- عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ «الحال»:

- (۱) لا تتسامحوا و أنتم تحسبون أن لكم فرصة كثيرة،
- (۲) لأنكم إذا تبدؤون بالعمل و هو يحتاج إلى زمان،
- (۳) لا تجدون الفرصة كثيرة و هي قليلة و قصيرة دائماً،
- (۴) فيجب أن تستفيدوا من الفرصة و لو كانت قليلة!

۲۱- «ما فهمت لماذا هجرني أحبتي و فرحوا عُداتي، و أنا كنت أحبهم دائماً و أرجوهم في حياتي!» عَيْنَ الترجمة الصحيحة:

- (۱) نفهمیدم چرا دوستانم از من جدا شدند و دشمنانم را شاد کردند، در حالی که من همیشه آنها را دوست می‌داشتم و در زندگیم به آنها امیدوار می‌بودم!
- (۲) چیزی که نفهمیدم این است که چرا دوستانم رهایم کردند و دشمنانم شاد شدند، حال آنکه همیشه دوستشان می‌دارم و در زندگی به آنها امیدوارم!
- (۳) آنچه نفهمیدم این بود که چرا دوستانم از من جدا شده دشمنانم را شاد کردند، و من دائماً آنها را دوست داشته و به آنها در زندگی امید دارم!
- (۴) نمی‌فهمم چطور دوستانم از من جدا شدند و دشمنانم را شاد کردند، وقتی که همیشه دوستشان داشته و در زندگیم به آنها امید داشتم!

۲۲- عَيْنَ الخطأ:

- (۱) هل عملت حتى الآن عملاً يُثير إعجاب الآخرين،: آیا تاکنون کاری انجام داده‌ای که تحسین دیگران را برانگیزد،
- (۲) هناك معوقون يعملون أعمالاً عجيبة و هم يواجهون مشاكل،: معلولانی وجود دارند که با وجود روبه‌رو شدن با مشکلات کارهای عجیبی انجام داده‌اند،
- (۳) إنَّ الطفل الذي صار أعمى تظنُّ أنه لن يقدر أن يعمل عملاً،: کودکی که کور شده گمان می‌کنی که نخواهد توانست کاری انجام دهد،
- (۴) ولکننا عندنا عُمي قد حصلوا على جوائز كبيرة!: ولیکن ما نابینایانی داریم که جایزه‌های بزرگی را به دست آورده‌اند!



۲۳- عین الجملة التي ليست فيها الحال:

- (۱) يُصبح النَّاسُ مسرورين في فصل الربيع بعد مشاهدة الطبيعة الخضراء!
- (۲) إن يصنع المهندسون البيوت محكمة لا تُهدد الحوادث أكثر المدن!
- (۳) قد نرى تداخل روابط الإنسان و البيئة و هو مضرٌ للطبيعة!
- (۴) إن التلميذ الذي لا يُطالع دروسه و هو يفهمها ليس ناجحاً!

